

به حزب (غزل)

چه باک دلبر ما را ز خصم دل سپهش
که از فروغ ظفر پرتویی است در نگهش

«نوید» داد که «مردم» ز راه می آیند
نوید بخش شگرف است و مردمی است رهش

تمام عمر فرو سوخت، تا به توده خلق
چراغ گشت فرا راه و این بود گنهش

شرار کینه بیاشد که این ستاره صبح
عیان به مردم رزمنده ساخت ره ز چش

عبث به لشگر شب بیم می دهید او را
که اوست زاده خورشید و اختران سپهش

گریو سفسطه اش نیز اثر نخواهد داشت
اگر نراند ز سنگر نهیب پادشاهش

چو مار سرد بهر خار و خس نگیرد جای
عقاب چرخ برین است و قله جایگهش

چو کوه بر سر ایمان خویش پا برجاست
که سیل حادثه هرگز نمی برد ز رهش

احسان طبری

بهمن ماه 1358